

اقتصاد سیاسی

# اقتصاد فقیر

بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی

آبهیجیت بَنرجی | استر دو فلو

مترجمان: جعفر خیرخواهان | عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی مشهد

مهدی قیضی | عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشکده فردوسی مشهد



انتشارات  
دنیای اقتصاد

بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی / آمیجیت بنرجی، استر دوللو، مترجمان: جعفر خیرخواهان، مهدی فیضی / مشخصات نشر: تهران، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲ / مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص.، نمودار / فروست: اقتصاد میاسی / شابک: ۵-۷-۶۰۷-۷۱۰۶-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: c2011. Poor economics: a radical rethinking of the way to fight global poverty. یادداشت: کتابنامه، ص. ۲۶۷-۲۸۲ / یادداشت: نمایه/موضوع: کمک‌های اقتصادی - کشورهای در حال رشد / موضوع: فقر - پیشگیری / شناسه افزوده: دولو، استر، ۱۹۷۲-م. / شناسه افزوده: Dufflo, Esther / شناسه افزوده: خیرخواهان، جعفر، ۱۳۴۷-، مترجم / شناسه افزوده: فیضی، مهدی، ۱۳۵۹-، مترجم / رده‌بندی کنگره: ۱۲۹۲ / الف‌ب / HC59 / رده‌بندی دیویی: ۹۱۷۲۴ / ۳۴۸ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۳۸۵۰۶

www.ketab.ir

مقدمه مترجمان	۱۱
پیش‌گفتار نویسنده	۳۱
فصل اول: دوباره بیاندیش. دوباره	۳۷
گرفتار شده در فقر؟	۴۷
فصل دوم: یک میلیارد گرسنه؟	۵۷
آیا به‌راستی یک میلیارد انسان گرسنه وجود دارد؟	۶۱
آیا واقعاً تغذیه فقرا مناسب و به‌اندازه کافی است؟	۶۸
چرا فقرا این اندازه کم می‌خورند؟	۷۵
چه کسی می‌داند؟	۷۵
مهم‌تر از غذا	۷۷
آیا واقعاً دام فقر تغذیه-محور وجود دارد؟	۸۱
فصل سوم: میوه‌های آسان‌چین برای سلامت بهتر (جهانی)؟	۸۵
دام سلامت	۸۷
چرا از این فناوری‌ها بیشتر استفاده نمی‌شود؟	۹۴
معجزه‌های کم‌استفاده‌شده	۹۴
انتی‌ایق به سلامت بهتر	۹۶
بول برای هیچ	۹۷
آیا دولت‌ها مقصرند؟	۱۰۱
درک رفتار سلامت‌جویی	۱۰۴

آیا رایگان به معنای بی‌ارزش بودن است؟	۱۰۴
ایمان؟	۱۰۶
باورهای ضعیف و ضرورت امید	۱۰۹
تصمیم‌های سال نو	۱۱۳
سفلمه زدن یا متقاعد کردن؟	۱۱۶
منظوره از دید ما	۱۱۸
<b>فصل چهارم: شاگرد اول کلاس</b>	۱۲۱
چنگ‌های عرضه - تقاضا	۱۲۳
ادعای نقاشانمداران	۱۲۷
تاریخچه انتقال انتقالات نقدی مشروط	۱۳۰
آیا سیاست‌های دولتی بالا به پایین مؤثر است؟	۱۳۲
مدیریت خصوصی	۱۳۶
برنامه پرستار و مقایسه با مدارس خصوصی	۱۳۸
مصیبت انتظارها	۱۴۱
متحنی S مانند	۱۴۱
نظام‌های مدارس غیردولتی	۱۴۴
چرا مدارس ناموفق هستند	۱۴۹
بازمهندسی آموزش و پرورش	۱۵۵
<b>فصل پنجم: خانواده بزرگ پاک سودا</b>	۱۶۱
مشکل خانواده‌های بزرگ چیست؟	۱۶۴
آیا فقرا تصمیم‌های باارزوی خود را کنترل می‌کنند؟	۱۷۱
رفتار جنسی، همبوش‌های مدرسه و مردان سالخورده	۱۷۳
تصمیم چه کسی؟	۱۷۷
فرزندان به‌مثابه ابزارهای مالی	۱۸۱
خانواده	۱۸۶
<b>فصل ششم: مدیران بابرهنه صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأمین</b>	۱۹۵
مخاطرم‌های فقیر بودن	۱۹۷
دادوستد تأمین	۲۰۵
به یاری هم شناختن	۲۰۸
شرکت‌های بیمه در خدمت فقرا کجا هستند؟	۲۱۲
چرا فقرا بیمه نمی‌خواهند؟	۲۱۸

WWW.Ketab.ir

فصل هفتم: مردان کابلی و خواجهگان هندی: بررسی اقتصادی (نه چندان) ساده وام‌دادن به فقرا	۲۲۳
وام‌دادن به فقرا	۲۲۶
بررسی اقتصادی (نه چندان) ساده وام‌دادن به فقرا	۲۲۸
بینش‌های خرد برای برنامه‌های کلان	۲۳۲
آیا اعتبار خرد مؤثر است؟	۲۳۷
محدودیت‌های اعتبار خرد	۲۴۲
بنگاه‌های بزرگ‌تر چگونه تأمین مالی می‌شوند؟	۲۵۰
فصل هشتم: اجر به آجر پس‌انداز کردن	۲۵۵
چرا آجر بیشتر پس‌انداز نمی‌کنند؟	۲۵۶
روشن‌شناسی پس‌اندازها	۲۶۵
پس‌انداز و خوب‌بختی	۲۶۹
فقر و منطق پس‌انداز	۲۷۵
رهائی از دام	۲۷۸
فصل نهم: کارآفرینان ناشناخته	۲۸۳
سرمایه‌داران بدون سرمایه	۲۸۶
کسب و کار فقرا	۲۹۲
کسب و کارهای بسیار کوچک و تنگ‌مغز	۲۹۲
بازده حاشیه‌ای و بازده میانگین	۲۹۴
کارآفرینی بسیار دشوار است	۳۰۴
شغلی دست و پا کردن	۳۰۷
مشاغل خوب	۳۰۸
فصل دهم: سیاست‌ها، عرضه سیاسی	۳۱۹
اقتصاد سیاسی	۳۲۲
تغییرات حاشیه‌ای	۳۲۹
تمرکززدایی و دموکراسی در عمل	۳۳۳
قدرت‌دادن به مردم	۳۳۴
پوشاندن شکاف قومی	۳۳۸
در مخالفت با اقتصاد سیاسی	۳۴۱
به‌جای نتیجه‌گیری فراگیر	۳۵۷
سیاس‌گزاری	۳۶۷
یادداشت‌ها	۳۶۹

## مقدمه مترجمان

کتاب حاضر حاصل سال‌ها پژوهش میدانی برای بررسی جزئیات زندگی بسیار پیچیده فقرا و مسائل در هم‌نیده با آن مانند سطح پایین بهداشت و تحصیلات در مناطق فقیرنشین کشور های در حال توسعه است. نویسندگان کتاب، آبهیجیت بنرجی<sup>۱</sup> هندی و استر دوفلو<sup>۲</sup> فرانسوی، بیش از پانزده سال از عمر خویش را صرف بررسی زندگی فقرا در روستاهای هند، مراکش، کنیا، اندونزی و بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه کرده‌اند. بنرجی، استاد اقتصاد در مؤسسه فناوری ماساچوست (ام. آی. تی.) و از مؤسسان آزمایشگاه اقدام برای مبارزه با فقر عبداللطیف جمیل<sup>۳</sup> (جی پل) است که پیش از این در دانشگاه‌های هاروارد و پرینستون نیز تدریس کرده است. او به همراه استر دوفلو، دین کارلن<sup>۴</sup>، مایکل کرمر<sup>۵</sup>، جان لیست<sup>۶</sup> و سندهیل مولناتان<sup>۷</sup> از پیشگامان توسعه آزمون‌های میدانی<sup>۸</sup> شناخته می‌شود که روشی مهم در ارزیابی سیاست‌های توسعه به شمار می‌رود و روحی تازه به تلاش‌ها برای فقرزدائی دمیده است.

فقر جدای از مسائل اقتصادی همزمان چالش‌های فکری و اخلاقی را نیز برمی‌انگیزد. پیتر سینگر<sup>۹</sup>، فیلسوف اخلاق و استاد اخلاق ریسنی دانشگاه پرینستون، معتقد است حمایت نکردن از کودکان فقیر در حال مرگ، به لحاظ اخلاقی با کشتن انسان‌ها تفاوت چندانی ندارد. او با همین نوع نگرش راه‌حلی نیز برای از میان بردن فقر جهانی ارائه داده که بر مبنای کمک اخلاقی به کسانی است که درآمدی کمتر از نیاز خود دارند. سینگر در مقاله کلاسیک خود «قحطی،

1- Abhijit Banerjee      2- Esther Duflo      3- Abdul Latif Jameel Poverty Action Lab  
4- Dean Karlan      5- Michael Kremer      6- John A. List  
7- Sendhil Mullainathan      8- Field Experiments      9- Peter Singer

فراوانی و اخلاق»<sup>۱</sup> که بیش از چهل سال از نگارش آن می‌گذرد، استدلال کرد زیستن در فراوانی، در حالی که دیگران از گرسنگی رنج می‌برند، از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع است: اگر ما می‌توانیم بدون فدا کردن چیزی با اهمیت اخلاقی یکسان، از چیز بدی جلوگیری کنیم، از نظر اخلاقی موظفیم آن را انجام دهیم. سینگر در کتاب «زندگی‌ای که می‌توانی نجات‌دهی»<sup>۲</sup> استدلال می‌کند افرادی که در رفاه کشورهای غربی زندگی می‌کنند، اخلاقاً باید بسیار بیشتر از آنچه در این کشورها به‌عنوان کمک مرسوم شناخته می‌شود، به موارد انسان‌دوستانه کمک کنند. سینگر نیز می‌پذیرد که مشکلاتی در مورد اطمینان از رسیدن پول به جایی که بیشترین نیاز به آن هست و استفاده کارآمد از آن وجود دارد، با این حال فکر نمی‌کند این مشکلات عملی نتیجه اصلی او را زیر سؤال ببرد.

پیش‌فرض ضمنی استدلال سینگر این است که انسان‌های نیازمند کمک، شناخته شده هستند و تنها کمی در کمک به آنها است. آمارتیا سن،<sup>۳</sup> برنده نوبل اقتصاد، این پیش‌فرض را می‌شکافد و تعریف تازه‌ای از مفهوم فقر ارائه می‌دهد. او برای برآورد میزان فقر، به جای درآمد بر قابلیت‌های فردی تأکید می‌کند؛ چیزی که آن را فقر به‌مثابه نابرابری<sup>۴</sup> می‌نامد. به نظر او برآورد مجموعه قابلیت‌ها باید نه بر پایه دستاوردهای واقعی بهزیستی<sup>۵</sup> بلکه طبق مجموعه فرصت‌های واقعی در امکان دستیابی به آزادی صورت گیرد.

این گونه است که توسعه به‌مثابه آزادی<sup>۶</sup> معنای یابد. اگر آمارتیا سن با طرح مفهوم قابلیت کارکرد<sup>۷</sup> نشان داد که فقر، ناشی از نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها است که اجازه رشد توانایی‌های کارکردی را به افراد نمی‌دهد، برخی و دوفلو از این فراتر می‌روند و نشان می‌دهند که چرا فقرا گاه از فرصت‌های برابر استفاده نمی‌کنند (چرا فرزندان فقرا گاه حتی با وجود دسترسی به مدارس رایگان، تحصیل نمی‌کنند) و برای افزایش استفاده از فرصت‌ها چه می‌توان کرد (چگونه می‌توان نرخ مدرسه‌روی این فرزندان را افزایش داد).

استر دوفلو، استاد اقتصاد توسعه در ام‌آی‌تی و از مؤسسان و مدیر آزمایشگاه

1- Famine, Affluence, and Morality  
3- Amartya Kumar Sen  
5- Actual Well-being Achievements  
7- Capability to Function

2- The Life You Can Save  
4- Poverty as Inequality  
6- Development as Freedom

اقدام برای مبارزه با فقر عبداللطیف جمیل است. حوزه پژوهشی او بر مسائل خرد در کشورهای در حال توسعه شامل رفتار خانوار، تحصیلات، دسترسی به خدمات مالی، سلامت و ارزیابی سیاست‌ها متمرکز است. دوفلو برنده مدال کلازک<sup>۱</sup> برای بهترین اقتصاددان زیر چهل سال در آمریکا در سال ۲۰۱۰، نخستین دریافت‌کننده جایزه بین‌المللی کالو آرمنگل<sup>۲</sup> در ۲۰۰۹، دارای عنوان بهترین اقتصاددان جوان فرانسه به انتخاب حلقه اقتصاددانان فرانسه<sup>۳</sup> در ۲۰۰۵ و برنده جایزه پژوهشی لیان بنت<sup>۴</sup> از سوی انجمن اقتصاد آمریکا در ۲۰۰۲ است. او در لیست برترین صد روشنفکر عمومی و متفکر جهانی نشریه فارن پالیسی در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ قرار داشت، نشریه تایم او را در ۲۰۱۱ در زمره صد فرد تأثیرگذار جهان قرار داد و نشریه اکونومیست نیز او را یکی از هشت اقتصاددان برتر جوان دنیا می‌شمارد.

اگر چه این کتاب از سوی نشریه فایننشیال تایمز و شرکت گلدمن ساکس برنده عنوان بهترین کتاب سال در زمره کسب‌وکار در ۲۰۱۱ شد. به دلیل پرداختن به پرسش‌های به‌ظاهر ساده زندگی روزمره (مثلاً مطالعه اثر شیوه توزیع پشه‌بند بر کاهش مالاریا به‌جای بررسی سیاست‌های ارزی) گاه مورد انتقاد کسانی قرار گرفته است که این مسائل جزئی و ساده را در شأن علم اقتصاد نمی‌دانند و نویسندگان کتاب را به پایین آوردن بلندمندی رشته اقتصاد و به‌ویژه نادیده گرفتن تصویر اصلی بزرگ‌تر متهم می‌کنند.

تصویر بزرگ‌تر نشان می‌دهد که دهه‌ها تلاش جدی برای بهبود زندگی فقرا در کشورهای در حال توسعه نتایج متفاوت و گاه متناقضی به دنبال داشته است. اگرچه برخی کشورها مانند چین پیشرفت‌های چشمگیری در کاهش فقر داشته‌اند، بسیاری دیگر نیز در این مسیر ناموفق بوده‌اند. کاهش میزان فقر می‌تواند

۱- John Bates Clark Medal، معتبرترین جایزه اقتصادی پس از نوبل اقتصاد است که دریافت‌کنندگان آن عموماً در سال‌های بعد جایزه نوبل را نیز دریافت می‌کنند.

۲- Calvo-Armengol International Prize، هر دو سال یک‌بار به بهترین پژوهشگر جوان در اقتصاد یا سایر علوم اجتماعی برای نقش تأثیرگذار در نظریه و فهم سازکارهای تعامل اجتماعی تعلق می‌گیرد.

3- Le Monde, Cercle des économistes

۴- Elaine Bennett Research Prize، به اقتصاددان زن زیر چهل سالی داده می‌شود که نقش تأثیرگذاری در یکی از شاخه‌های اقتصاد داشته است.

شاخصی خوب برای توسعه پایدار باشد، اما رشد اقتصادی ضرورتاً به کمتر شدت نابرابری درآمدی منجر نمی‌شود.



تا پیش از این کتاب، بحث در مورد کمک جهانی به فقرا عموماً در دو قطب قرار داشت. در سمت چپ طیف، جفری ساکس،<sup>۱</sup> مدیر مؤسسه زمین<sup>۲</sup> در دانشگاه کلمبیا قرار دارد که اصلی‌ترین عامل فقیر ماندن فقرا را «دام فقر» می‌داند. به نظر او اگر کمک‌های جهانی بتواند آنها را از دام فقر بیرون بکشد، خود می‌تواند. مسائل نشان را حل کنند. در سمت راست طیف، ویلیام ایسترلی،<sup>۳</sup> استاد اقتصاد و مدیر مرکز پژوهش‌های توسعه دانشگاه نیویورک استدلال می‌کند که مسأله اصلی نه دام فقر بلکه خود کمک است که فرهنگ وابستگی<sup>۴</sup> ایجاد می‌کند، فقرا را فقیر نگه می‌دارد و آنها را از تنها مسیر واقعی به موفقیت، که بازار آزاد است، باز می‌دارد. چنان‌که بنر جی و دو فلو دریافت‌اند هر دو دیدگاه بیشتر به حدس و گمان متکی هستند تا شواهد دقیق علمی. بسیاری از هدایای خیرخواهانه، کمک‌های کلان جهانی و تلاش‌های بی‌شمار با نیت خیر برای از بین بردن فقر شکست خورده‌اند، همان‌طور که راه‌حل‌های بازار محور، مانند کاهش محدودیت‌های تجارت خارجی، نیز تأثیر محدودی داشته‌اند.

سازکار بازار، مانند هر سازکار تکاملی دیگری، در مسیر خود آنهایی را که ضعیف‌تر تشخیص می‌دهد در وضعیت رفاهی بد و تناس بقای کمتر رها می‌کند. بنابراین پرسش اساسی این است که چه سیاست‌هایی را می‌توان پیشنهاد کرد تا با کمترین میزان انحراف از مسیر تخصیص بهینه منابع، وضع این عقب‌ماندگان را به‌طور قابل قبولی بهبود بخشد. اقتصاد توسعه پر از پرسش‌های مهم درباره دلالت‌های این دست سیاست‌ها در گذشته و اثرات آنها در آینده است که تاکنون عموماً پاسخ‌هایی قانع‌کننده نیافته‌اند، اما شاید بتوان همه اینها را در این پرسش کلیدی خلاصه نمود که چرا برخی کشورها ثروتمند و برخی فقیر هستند؟ پرسشی با نتایج بسیار گسترده برای رفاه انسان‌ها که تنها با پاسخ دادن به آن است که می‌توان تصمیم گرفت چگونه فقر را به بهترین شکل در کشورهای در حال توسعه

1- Jeffrey Sachs  
3- William Easterly

2- The Earth Institute  
4- Dependency Culture



وجود داشته است. سپس پرسشی مهم را مطرح می‌کند: اساساً دولتی کارآمد در وهله اول چگونه به وجود می‌آید؟ این پرسش از این رو که پیش شرط رشد اقتصادی و رهایی از فقر است، در مرکز فهم توسعه اقتصادی قرار دارد و با این وجود تاکنون اقتصاددانان کمتر به آن پرداخته‌اند. بزلی و پرسون این پرسش را به سه پرسش جزئی‌تر شکسته‌اند: چه نیروهایی ظرفیت‌های دولت‌ساز<sup>۱</sup> را شکل می‌دهند و چرا آنها از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌کنند؟ چه عواملی خشونت سیاسی ایجاد می‌کنند؟ و چه چیزی خوشه‌بندی نهادهای دولتی، خشونت و درآمد را تبیین می‌کند؟ پاسخ‌ها نیز به همین ترتیب سه‌گانه است: نبود سرکوب و خشونت سیاسی داخلی، وجود نظام مالیات ساه و اجرایی و نظام قضائی که قراردادها را اجرا و بهره‌کشی خصوصی و عمومی را محدود می‌کند.

در ادامه تلاش‌ها برای پاسخ به پرسش کلیدی چرایی کامیابی یا شکست کشورها، کتاب «چرا ملت‌ها در می‌مانند: ریشه‌های قدرت، کامیابی و فقر»<sup>۲</sup> نوشته دارون عجم‌اوغلو،<sup>۳</sup> استاد اقتصاد در ام.‌آی.‌تی و جیمز رابینسون،<sup>۴</sup> اندیشمند سیاسی و استاد دانشگاه هاروارد در واقع درباره تفاوت‌های عظیم درآمدی و شیوه‌های زندگی است که کشورهای ثروتمند را از کشورهای فقیر جدا می‌سازد. عجم‌اوغلو و رابینسون می‌گویند جزئیات استدلال و شواهد خود را در تایید فرضیه‌ای ارائه دهند که موفقیت اقتصادی یک ملت را با کیفیت نهادهای سیاسی آن تعیین می‌کند.

آنها توضیح می‌دهند که از سویی چگونه شهروندان کشورهای ثروتمند، فرادستان<sup>۵</sup> کنترل‌کننده قدرت را سرنگون و جامعه‌ای با دولت‌های فراگیر<sup>۶</sup> ایجاد کرده‌اند که در آن با توزیع گسترده حقوق سیاسی، دولت در برابر شهروندان پاسخگو و مسئول است و انبوه مردم می‌توانند از فرصت‌های اقتصادی بهره‌برداری کنند؛ از سوی دیگر چرا ملت‌های اسیر دست فرادستان و دولت‌های بهره‌کش<sup>۷</sup>

1- State-building Capacity

2- Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty

این کتاب با ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی‌پور از سوی انتشارات دنیای اقتصاد با عنوان «چرا کشورها شکست می‌خورند: سرچشمه‌های قدرت، ثروت و فقر» منتشر شده است.

3- Daron Acemoglu

4- James Robinson

5- Elites

6- Inclusive States

7- Extractive States

خودکامه در چرخه معیوب سرکوب نوآوری‌های فنی و آزادی فردی و اقتصادی درمی‌ماند.



رویکرد نهادی عجم‌اوغلو-رابینسون و بزلی-پرسون در کنار رویکرد آزمونی بنرجی و دوفلو دو رویکرد به‌نسبت جدید را در اقتصاد توسعه تشکیل می‌دهند. مسأله توسعه‌نیافتگی و فقر در واقع حاصل هزاران مسأله کوچک‌تر است که راه‌حل‌های احتمالی آنها ضرورتاً در یک راستا نیستند. رویکرد کتاب حاضر نیز بر این است که از پرسش‌های بزرگ در اقتصاد توسعه در دو سوی قطب (مانند اینکه چقدر باید به بازار آزاد در کمک به فقرا باور داشته باشیم؟ و آیا اساساً کمک جهانی نقشی در این زمینه ایفا می‌کند؟) فاصله بگیرد و به پرسش‌های کوچکی (مانند چطور با مالاریا یا اسهال بهتر مبارزه کنیم؟ چگونه نرخ مدرسه‌روی کودکان فقیر را افزایش دهیم؟) بپردازد.

شیوه نگاه بنرجی و دوفلو در سراسر این کتاب، توجه به جزئیات، درک روش تصمیم‌گیری مردم و تمایل به تجربه و آزمایش است. به این ترتیب آنها بهتر توانستند بینش‌های اولیه و انگیزه‌هایی را دریابند که تصمیم‌های فقرا و زندگی‌های آنها را راهبری می‌کند؛ اینکه آیا تصمیم‌های شان، مثلاً در باب تحصیلات یا اندازه خانواده، آنها را فقیر می‌کند و یا چون از بداقالی فقیر هستند به‌ناچار تصمیم‌هایی از این دست می‌گیرند. در نهایت این یافته‌ها مصیبت‌های جالبی را در مورد انگیزه‌ها در زندگی فقرا به‌دست می‌دهند و نشان می‌دهد که سیاست‌های مبارزه با فقر چه وقت نتیجه می‌دهد و چه زمانی نتیجه نمی‌دهد و چرا. قوه اقناع کتاب از سویی در خواست نویسندگان آن برای شنیدن صدای فقرا و فهم چگونگی تطابق آنها با شرایط و از سوی دیگر تمایل نداشتن برای بسنده کردن به پاسخ‌های بیش‌کلی و ایدئولوگ‌شده نهفته است. به‌طور خلاصه کتاب حاصل روند مبارک کنجکاوی با ذهن باز و احترام به شواهد ارزیابی‌ها است.

پیام کتاب این است که یک راه‌حل طلایی کلان‌نگر برای مبارزه با فقر وجود ندارد و نخستین قدم به منظور اصلاح روش‌های پیشین، فهم دوباره ماهیت فقر است. بنابراین بنرجی و دوفلو بدون کلان‌اندیشی در مورد سیاست‌های مبارزه با فقر، به‌شکل خرد به راه‌حل‌های ممکن آن فکر کردند و نشان دادند وقتی که

سیاست‌های به‌دقت طراحی‌شده، زمینه فرهنگی-اجتماعی خاص زندگی جامعه هدف خود را لحاظ کند، حتی تغییراتی کوچک در سازکار ارائه کمک جهانی می‌تواند به‌طور چشمگیری کارایی آن را متحول سازد. به این ترتیب استدلال‌ها و سیاست‌های پیشنهادی آنها نه تنها با مجموعه داده‌ها و شواهد تجربی بلکه با داستان‌ها و روایت‌های زندگی فقرا همراه شده است. این دیدگاه پایین به بالا اعتبار خاصی به کتاب می‌بخشد. خوانندگان کتاب به‌خوبی درمی‌یابند برای اینکه دنیا را به مکانی بهتر برای زندگی تبدیل کنیم، نیازمند شواهد قوی فراتر از نیات خیر هستیم.

موفقیت این کتاب در جلب توجه به دو مسأله اساسی سیاست‌های کمک به فقرا است: نخست، با اینکه بودجه‌های کمک جهانی به کشورهای فقیر به ده‌ها میلیارد دلار سرمی‌زند، همچنان برای تحلیل نتایج و ارزیابی کارایی آنها کار بسیار کمی صورت گرفته است. حتی زمانی هم که این سیاست‌ها بررسی شده است، اغلب با روش‌های تورش‌داری همراه بوده است و به این ترتیب همچنان سویه علیت نمی‌تواند چندان روشن باشد. دوم اینکه عموماً تاکنون به آنچه فقرا می‌گویند و انجام می‌دهند توجه کافی نشده است. رفتاری که ممکن است غیرعقلانی به نظر برسد، چه‌بسا تنها به دلیل ناتوانی ناظر بیرونی در فهم دقیق و کامل فرایند تصمیم‌گیری در شرایط فقر باشد. بنابراین از یک طرف، داده‌های خرد باید هسته تحلیل در سیاست‌گذاری توسعه باشند و از طرف دیگر، نباید تنها به آنها بسنده کرد. باید به فراسوی اعداد نگریست و دغدغه‌های روزمره فقرا را نیز از میان‌گپ‌وگفت با آنها دریافت. این کتاب نشان می‌دهد دلیل شکست بسیاری از سیاست‌های مبارزه با فقر در سال‌های گذشته، فهم نادرست مسأله بر پایه شواهد سست و نامعتبر بوده است.

فقرا تقریباً مجموعه ترجیحات و توانایی‌های یکسانی مانند سایر انسان‌ها دارند، اما تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات و منابع کم و با کمترین شانس و فرصتی برای خطا، زندگی آنها را دشوارتر و پیچیده‌تر کرده است. آنها اغلب باید تصمیم‌های دشواری (مانند اینکه آیا برای خرید داروی گران‌درمان مادر خود باید تنها گاو خود را بفروشم یا این مسأله را به سرنوشت واگذارم؟) آن هم در شرایط با استرس بالا بگیرند. فقرا مسئولیت زیادی برای جنبه‌های گوناگون زندگی خود، مانند دسترسی به آب سالم، بر دوش می‌کشند در حالی که این مسائل برای ما،

ساکنان کشورهای توسعه یافته، حل شده هستند چرا که عموماً دولت این امکانات را به سادگی برای بسیاری از ما فراهم کرده است، بی آنکه لحظه‌ای به آنها فکر کرده باشیم. بنر جی و دوفلو می‌کوشند سیاست‌هایی طراحی کنند که می‌تواند تأثیر واقعی روی بهبود زندگی فقرا داشته باشد و راه‌حل‌هایی عملی و کارآمد برای رفع مسائل آنها بیابند، ضمن اینکه کاستی راه‌حل‌های موجود را نیز آشکار سازند. مثلاً بررسی‌های آنها نشان می‌دهد که وام‌دهی خرد<sup>1</sup> چندان از جنس معجزه‌ای نیست که طرفداران آن ادعا می‌کردند و کمتر از آنچه پیش از این اندیشیده می‌شد روشی انقلابی برای کارآفرینی و مبارزه با فقر است. همچنین نویسندگان کتاب به این نتیجه رسیدند که فقرا اغلب به این دلیل ساده به کسب و کارهای خرد روی می‌آورند که چاره دیگری ندارند، نه به این دلیل که استعداد، مهارت یا اشتیاق خاصی برای کارآفرینی دارند.

\*\*\*

بنر جی و دوفلو در پژوهش‌های خود برای مطالعه کارایی سیاست‌های مداخله‌گرایانه در گستره‌ای از مسائل بهداشتی، آموزشی و کشاورزی (از بیماری‌های مقاربتی جنسی تا غیبت معلمان از مدرسه و استفاده ناکافی از کود) با تحلیل دقیق مجموعه‌ای از شواهد قوی از روش‌های کنترلی تصادفی<sup>2</sup> استفاده کرده‌اند. اقتصاد توسعه با استفاده از این دست‌سنجش‌ها در سال‌های اخیر تولدی دیگر یافته، بسیاری از توانمندترین اقتصاددانان را به خود جلب کرده و بستری برای آزمون نظریه‌های بنیادین اقتصاد و منبعی برای توسعه ایده‌های مهیج جدید شده است.

اساساً آزمون، یکی از بنیادی‌ترین روش‌ها برای به دست آوردن بین علی از فرضیه‌ای نظری (تأثیر معنادار متغیر مستقل بر متغیر وابسته) در علوم طبیعی یا اجتماعی است. بنابراین اساس یک آزمون عبارت است از اعمال تغییر در یک متغیر مستقل با ثابت نگه‌داشتن سایر متغیرها و اندازه‌گیری اثر آن بر متغیر وابسته. به‌طور کلی سنجش‌های کنترلی تصادفی شده، اثربخشی سیاست‌ها را مانند ارزیابی اثر داروها در بنگاه‌های داروسازی بررسی می‌کنند: یک نمونه به‌لحاظ آماری

تصادفی انتخاب شده معمولاً به دو گروه، شاهد و آزمایش، تقسیم می‌شود که از همه نظر با هم یکسان هستند اما تنها گروه آزمایش درمان مورد نظر را دریافت می‌کند. به این ترتیب می‌توان با کنترل سایر عوامل احتمالی مؤثر، تغییر معنادار متغیر وابسته را در مقایسه با گروه شاهد تنها به اثر علی متغیر مستقل نسبت داد. چون آزمایش‌شوندگان به صورت تصادفی انتخاب و به هر گروه تخصیص داده شده‌اند و هر دو گروه مورد مشاهده قرار می‌گیرند، مواردی مانند اثر هاوثورن<sup>۱</sup> (بهبود کوتاه مدت در کارکرد به دلیل مشاهده کارکرد فرد دیگر) عملاً تأثیری در نتیجه آزمایش نمی‌گذارند، که این خستگی شدن خود از مزایای سنجش تصادفی شده است. بنابراین با وجود اینکه انسان‌ها به تغییرات محیطی به شکل‌های متفاوتی واکنش نشان می‌دهند، می‌توان همواره مطمئن بود که تغییر رفتار مشاهده شده صرفاً مربوط به عامل مورد نظر است.

اگرچه رویکرد ازبونی در دهه اخیر به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و به حل پرسش‌های مهمی در اقتصاد و به ویژه موضوعات اقتصاد خرد کمک کرده است، اما همچنان نمی‌تواند به بسیاری از پرسش‌های مهم اقتصاد توسعه پاسخ دهد. همچنین این روش معمولاً دارای هزینه‌های بالا (مثلاً به دلیل نیاز به دادن مشوق‌های مالی به آزمون‌شوندگان و دوره زمانی داده‌ها یا تعداد مشاهدات محدودتر است. به ویژه در علوم انسانی و اجتماعی تعیین روشی برای اندازه‌گیری پیامدهای یک آزمون به صورت عینی کاری دشوار است. به این ترتیب همواره باید توجه داشت که چه وقت و با چه شرایطی نتایج آزمون در موقعیتی بسیار کنترل شده، برای موقعیتی در دنیای واقعی نیز اعتبار<sup>۲</sup> و روالی<sup>۳</sup> دارد.

در اقتصاد کلان نمی‌توانیم (مثلاً برای اندازه‌گیری اثر مانگین سیاست‌های پولی و مالی یا اثر تغییر مالیات بر شرکت‌ها)، متغیرهای اقتصادی را در آزمایشگاه بارها و بارها تحت شرایطی متفاوت بالا و پایین کنیم. تنها یک اقتصاد کلان محقق‌یافته وجود دارد که می‌توانیم از آن برای پاسخ به پرسش‌های مهم استفاده کنیم که این مسأله از دقت یافته‌های سیاست‌گذارانه می‌کاهد. افزون بر آن چون داده‌های کلان تاریخی اند نه آزمایشگاهی، نمی‌توان روابط میان دسته‌ای از متغیرها را در

حالتی مجزا از بقیه اقتصاد بررسی کرد و همزمان تمام متغیرهای دیگر را ثابت نگاه داشت. بنابراین تنها راه دستیابی به داده‌های تازه این است که منتظر بمانیم تا شاید زمان به‌طور طبیعی این داده‌ها را در اختیار بگذارد. رخدادهایی مانند بحران مالی که در ۲۰۰۷ شروع شد می‌توانند مانند آزمون کار کنند، مدل‌ها را به جاهایی برانند که هنگام ساخت‌شان پیش‌بینی نمی‌شد و به این ترتیب توانایی آنها را برای پیش‌بینی بیازمایند، اما این قبیل رویدادها اندک هستند و دیربه‌دیر اتفاق می‌افتند. اگر انجام سنجش‌های کنترلی، به‌ویژه در پرسش‌های اصلی در علوم اجتماعی و طبیعی، بسیار دشوار و حتی گاه ناممکن باشد، پژوهشگران به آزمون‌های طبیعی<sup>۱</sup> یا به بیانی شه-آزمونی<sup>۲</sup> روی می‌آورند. از آنجا که در این آزمون‌ها امکان کنترل شرایط محیط کمتر و همچنین دست پژوهشگر در تخصیص تصادفی آزمون‌شوندگان بسته است، متغیرهای ناشناخته را نه می‌توان اندازه‌گیری کرد و نه می‌توان ثابت نگه داشت و بنابراین معمولاً مقداری همبستگی نیز میان متغیرهای تبیینی<sup>۳</sup> در داده‌های گردآوری شده وجود دارد که از اعتبار آزمون‌های طبیعی نسبت به آزمون‌های کنترل شده بی‌کامل متخصصان اقتصاد خرد گاه از این لحاظ شرایط بهتری دارند، چرا که می‌توانند رفتارهای مختلف را در میان شرکت‌ها، بازارها و افراد در محیط آزمایشگاهی یا در محیط میدانی، آزمون کنند. معمولاً در صورتی آزمون در محیط آزمایشگاهی انجام می‌شود که لازم باشد داده‌ها به صورت تعاملی با محیط رایانه‌ای تحلیل شوند یا نیاز به کنترل با دقتی بیشتر روی متغیر مستقل باشد. وقتی به این ترتیب اثر اصلی به‌دست آمد، سنجش فرضیه معمولاً در محیط میدانی و با افراد حقیقی صورت می‌گیرد.

\*\*\*

شکل‌دهی و انتخاب برترین سیاست‌ها در اقتصاد توسعه جدید در حقیقت حاصل فروتنی درباره میزان آگاهی و دانش ما و همچنین خوش‌بینی درباره توانایی ما برای یادگیری است. سنجش‌های کنترلی تصادفی شده به فهم دلایل فقر و راه‌حل‌های آن کمک می‌کنند. اینکه چرا فقرا، با وجود داشتن خواسته‌ها و توانایی‌هایی مشابه با هر کس دیگری از سایر طبقات درآمدی،

زندگی به کلی متفاوتی دارند؛ چرا آنها گاه برای اینکه پس‌انداز کنند، به دریافت وام نیاز دارند؛ چرا بچه‌های آنها به مدرسه می‌روند ولی اغلب چیزی نمی‌آموزند؛ چرا از خدمات رایگان بهداشتی استفاده نمی‌کنند اما به داروهای پول می‌دهند که نیاز چندانی به آنها ندارند؛ چرا کسب‌وکارهای بسیاری را شروع می‌کنند اما عموماً در هیچ‌یک از آنها رشدی نمی‌کنند و چرا با وجود فقر تعداد زیادی بچه می‌آورند.

بنابراین سیاستی که تصور می‌کند فقرا همواره کار درست را انجام می‌دهند، بی‌نتیجه خواهد بود. در مشاهده از نزدیک روشن می‌شود که رفتار فقرا رازآمیزی خاصی ندارد، بلکه آنها نیز در برابر الگوهای روان‌شناسی بسیار مشابهی همانند سایر افراد قرار دارند. به نظر می‌رسد که ما انسان‌ها اساساً در آزادانه و بی‌درنگ تصمیم گرفتن چندان خوب نیستیم و شواهد کمی وجود دارد که در غیاب اجبار یا دست‌کم فشار، همیشه کار معقول را انجام دهیم. تصمیم‌های زیادی است که امروز فکر می‌کنیم دوست داریم انجام دهیم و به آن پایبند باشیم، اما وقتی زمان پایبندی می‌رسد دیگر نمی‌خواهیم آن را انجام دهیم. این کتاب نشان می‌دهد که اشتیاق برای خوشحالی آنی، اغلب رفتارهای غیرعقلانی، به‌ویژه به تعویق انداختن تصمیم‌ها، را به وجود می‌آورد. به بیان دیگر یک ناسازگاری زمانی میان «ما»ی در زمان تصمیم‌گیری و «ما»ی در هنگام عمل وجود دارد که این فاصله، موجب دلواپسی دائمی ما می‌شود.

همچنین اگر من احساس کنم تمام چیزهایی که از زوی‌شان را داشته‌ام هیچ‌وقت تحقق نخواهند یافت، چرا باید خود را از استفاده از مواهب کوچک زندگی نیز بازدارم؟ بخش بزرگی از دلیل آنکه چرا به نظر می‌رسد فقرا گویی بدترین تصمیم‌ها را می‌گیرند (مثلاً با آنکه درآمد کافی برای غذا خوردن ندارند تلویزیون، گوشی‌های تلفن همراه و سایر کالاهای به‌نسبت لوکس می‌خرند و با وجود فقر، هزینه‌های گزافی برای مراسم عروسی یا عزای خود صرف می‌کنند)، می‌تواند به این دلیل باشد که آنها در واقع با به‌زحمت انداختن خود برای پس‌انداز کردن و استفاده درست از پول، شانس خود را برای رسیدن به جایی بسیار متفاوت بسیار کم می‌بینند و بنابراین دلیلی نمی‌بینند که به همین لذت‌های کوچک نیز دل‌خوش نباشند. همانند سایرین، آنها نیز با نیاز اولیه بشر برای یک زندگی دلپذیر

برانگیخته می‌شوند و خرید این قبیل کالاها زندگی بی‌روح و تکراری آنها را کمی کمتر ملال‌آور می‌کند.

این تمایلات و وسوسه‌ها بخشی از طبیعت بشر است اما برای فقیرترین مردمان چنین کوتاه‌بینی به تداوم فقر می‌انجامد. انتظارات در باب اینکه افراد برای انجام چه کاری توانا یا ناتوان هستند اغلب به پیش‌گویی‌های خودمتحقق<sup>۱</sup> تبدیل می‌شود که می‌تواند پیامدهای دردناکی مثلاً برای کارآمدی برنامه‌های سلامت یا مدرسه‌روی فرزندان داشته باشد. بنرچی و دوفلو راه‌حلی (مانند ایجاد حساب‌های پس‌انداز ویژه که افراد پیش از رسیدن موجودی آن به مبلغی مشخص، نمی‌توانند بولی از آن برداشت کنند) برای این رفتارهای غیرعقلانی کوتاه‌مدت ارائه می‌دهند که بالقوه کارآمد هستند.

اگر فقرا به دریافت و استفاده از مواهبی زندگی‌بخش مانند پشه‌بند یا قرص‌های کلرزای آب یا مدرسه‌سازی یا پادآبستگی که به رایگان یا یارانه‌ای در اختیار آنها قرار می‌گیرد، تمایلی ندارند شاید حتی به این دلیل است که آنها مانند طراحان این برنامه‌ها، باور یکسانی به مفید بودن استفاده از آنها ندارند. در این صورت راه ترغیب آنها به استفاده، نه الزاماً کاهش قیمت این خدمات که آگاه‌سازی ساده آنها است. به این ترتیب یکی از درس‌های کلیدی بنرچی و دوفلو از پژوهش‌های خود این است که فقرا اغلب به اطلاعاتی مهم دسترسی ندارند و به چیزهایی باور دارند که حقیقت ندارد. محدودیت‌هایی مانند عقاید خرافی و کمبود اطلاعات مطمئن آنها را از گرفتن تصمیمات درست باز می‌دارد.

نویسندگان در کتاب نمونه‌های بسیاری را می‌آورند که چگونه تنها با در اختیار قرار دادن اطلاعات ساده‌ای می‌توان تفاوتی معنادار در زندگی این افراد ایجاد کرد. از دیگر نتایج اساسی کتاب این است که با دادن کمی انگیزه به فقرا می‌توان تصمیم‌گیری درست را برای آنها آسان‌تر کرد و زندگی آنها را به‌شدت بهبود بخشید. همچنین دلایل خوبی وجود دارد که برخی بازارها برای فقرا وجود ندارد یا آنها با قیمت‌های بالایی در آن بازارها روبه‌رو هستند که دولت‌ها می‌توانند با شرکت‌های خصوصی مانند اعتبار خرد و بیمه سلامت به ایجاد این نوع بازارها

کمک کنند. سرانجام تغییر انتظارات جامعه در مورد اینکه آنچه مردم می‌توانند و نمی‌توانند انجام دهند، به فهم بهتر رفتارهای فقرا کمک می‌کند.

کتاب «بیش از نیت‌های خیر: چگونه رویکردی جدید در اقتصاد به حل فقر جهانی کمک می‌کند»،<sup>۱</sup> نیز می‌کوشد چهره‌های انسانی به مسأله فقر بدهد. نویسندگان این کتاب، دین کارلن<sup>۲</sup> استاد اقتصاد دانشگاه ییل، رئیس مرکز آی. پی. ای<sup>۳</sup> و همکار پژوهشی آزمایشگاه جی-پیل در ام. آی. تی، و ژاکوب اپل<sup>۴</sup> پژوهشگر میدانی مرکز آی. پی. ای، فقرا را نه افراد بسیار عقلانی که برای همه تصمیم‌های خود هزینه-فایده می‌کنند، بلکه افرادی مانند سایر طبقات اجتماعی می‌بینند که خواسته یا ناخواسته در وضع ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. کارلن و اپل در این کتاب برای ارزیابی برنامه‌های مبارزه با فقر در کشورهای در حال توسعه، یافته‌های اقتصاد رفتاری<sup>۵</sup> را با آزمون‌های میدانی و پژوهش‌های آکادمیک را با روایت‌های ژورنالیستی ترکیب می‌کنند. آنها کتاب خود را به‌عنوان روشی جدید برای فهم سیاست مؤثر در کاهش فقر توصیف می‌کنند و خوانندگان را با خود به روستاهای آفریقا، هند، آمریکای جنوبی و فیلیپین می‌برند. کارلن و اپل نیز استدلال می‌کنند که تغییراتی کوچک در بانکداری، بیمه و مراقبت سلامت که گاه غیرعقلانی رفتار کردن انسان‌ها را در نظر می‌گیرد، می‌توانند رفاه فقرا را به‌طور معناداری افزایش دهد. آنها باور دارند فهم آنچه در فقرزدائی مؤثر است در یک پرسش ساده خلاصه می‌شود: «چگونه زندگی افراد با بودن یا نبودن سیاستی خاص تغییر می‌کند؟»

آنها در نتیجه‌گیری‌های خود از ابزارهای اقتصادی، نگاه روان‌شناسانه و بررسی‌های تجربی برای بحث درباره مسائل فقر جهانی استفاده کرده‌اند. چنان‌که کارلن توصیف می‌کند، کار آنها شامل «حمله‌ای دو شاخه» به مسأله یافتن بهترین پاسخ‌ها به فقر است: استفاده از روش‌های ارزیابی دقیق برای آزمون راه‌حل‌های فقرزدائی و فهم مسائل و تفسیر نتایج با کمک ابزار اقتصاد رفتاری. کتاب به‌خوبی تبیین می‌کند که چگونه وقتی جامعه تصمیم‌های درست‌تر را در دسترس‌تر از تصمیمات نادرست گذاشته باشد، می‌توان افراد را به گرفتن تصمیماتی بهتر تشویق

1- More Than Good Intentions: How a New Economics is Helping to Solve Global Poverty

2- Dean Karlan 3- Innovations for Poverty Action (IPA)

4- Jacob Appel

5- Behavioral Economics

6- Two-pronged Attack

کرد. بنابراین یافته‌های کتاب «بیش از نیت‌های خیر» نه تنها برای ارزیابی اثربخشی کمک خارجی به کشورهای فقیر بلکه برای بررسی سیاست‌های اجتماعی نیز به کار می‌رود.

سیاست‌گذاران برای زمانی دراز کارهای بسیار زیادی را در کشورهای بسیار فقیر انجام داده‌اند که حتی در صورت امکان ارزیابی، عموماً نتایج چندان راضی‌کننده‌ای نداشته‌اند؛ شاید بتوان با این رویکرد جدید در اقتصاد توسعه دست کم برای زمانی کوتاه به سیاست‌هایی پرداخت که نه تنها ادعای اثربخشی بیشتری دارند، بلکه تأثیرات آنها قابل‌اندازی‌گیری دقیق نیز است. چه‌بسا این نگاه انسانی‌تر پایین به بالا بهتر بتواند مسائلی را حل کند که رویکرد بالا به پایین تاکنون در آنها درمانده است؛ مسائلی که در نهایت به رنج‌ها و ملالت‌های انسان گوشت و پوست‌دار می‌پردازد.



حتی اگر بدون توجه به اینکه بازار رقابتی خود مهمترین نهاد اقتصادی است، مسأله توسعه‌نیافتگی به نهادها فرو کاسته می‌شود، باید بتوان بر مبنای نظریه‌های اقتصادی و با استفاده از ابزارهای اقتصادی توضیح داد که چرا این نهادها نتوانسته‌اند پا بگیرند یا درست کار کنند. در غیر این صورت این دست انتقادهای در پشت واژه‌هایی کلی، زیبا و فاقد معنی مشخص و دقیق، به گلابه‌هایی سبک‌سرانه از سختی و خشونت زبان ریاضی و ادعاهای انسانی در بومی کردن اقتصاد فرو کاسته می‌شود؛ ادعاهایی که به دلیل همین ویژگی‌ها نیز تن به تیزی نقد نمی‌دهند و در فضای شهودی و انتزاعی، فارغ‌بال، ترک‌کاری می‌کنند، بی‌آنکه دغدغه‌ای جدی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مشخصی (چگونه، چقدر و کجا) بر مبنای نظریه‌های اقتصادی داشته باشند که به کار سیاست‌گذاران برای تحلیل و برنامه‌ریزی اقتصادی یک کشور می‌آید.

در نگاه جریان اصلی اقتصاد، فهم چگونگی کارکرد سازکار بازار، به‌عنوان یک نظم خودانگیخته به درک تکامل و ساختار سایر نهادهای اجتماعی نیز کمک می‌کند، بی‌آنکه همه پیچیدگی‌های تعاملات انگیزشی اجتماعی را به اصطلاح مبهم نهادها فرو نهد. در حالی که توصیف کلامی از نهادها، ضرورتاً به یافتن درکی تحلیلی از نیروهای شکل‌دهنده یک نهاد و فهم رابطه متقابل بین ساختار نهادی و

کارکرد اقتصادی کمکی نمی‌کند. رد کردن روش‌شناسی تجویزی در اقتصاد و از جمله رهیافت ابطال‌گرایی<sup>۱</sup> الزاماً به پذیرش روش‌شناسی توصیفی منجر نمی‌شود؛ روش‌شناسی‌ای که با تاکید بر اهمیت زبان و خطابه و نگاه کیفی به پدیده‌های اجتماعی، جریان عمده اندیشه اقتصاد توسعه را در ایران شکل می‌دهد.

سیاست‌گذاری توسعه چیزی فراتر از کنار هم قراردادن مجموعه‌ای از فروض برون‌زا، اگرچه شهودی، و تعدادی ادعای ابطال‌ناپذیر، اگرچه چشمگیر، برای به‌دست دادن نتایجی از پیش مشخص (مانند انسان کلید توسعه است) می‌باشد که به‌سادگی از صورت‌بندی مسأله به‌دست می‌آیند. مادامی‌که شرایط ابطال فرضیه مشخص نشده باشد، قدرت توضیح‌دهندگی آن اساساً نامشخص، امکان ارزیابی آن ناممکن و توان راهبردی آن هیچ است. اقتصاد توسعه مرسوم در ایران بیش از آن‌که واجد مجموعه تعریف‌شده‌ای از اصول و نظریات منسجم و روش‌شناسی مشخص علمی باشد، گزاره‌هایی چنان کلی و البته درست را در باب توسعه بیان می‌کند که از فرط کلیت ابطال‌ناپذیر می‌نماید سیاست‌هایی که از فرط درست بودن هیچ‌کس مخالف آن نیست و به هیچ کاری نمی‌آید و از این‌رو نمی‌تواند دردهای توسعه‌نیافتگی ما را که در جزئیات تعاملات انسانی پراکنده است، درمان کند.

از همان زمان که عباس میرزا، نایب‌السلطنه ۱۹ ساله، در بهار سال ۱۸۰۵ میلادی در اردوگاه خود در اردبیل خطاب به فرستاده دولت فرانسه از علت ترقیات آنها و ضعف همیشگی ما می‌پرسید، تلاشی برای درک وضع کنونی این ممالک اروپایی و ناشناختگی غرب، فهم علل ضعف و واپس‌ماندگی کشور و چیرگی بر اضطراب و دغدغه تلخ احساس جاماندگی از فافله تمدن از سوی روشنفکران و برخی دولتمردان آغاز شد. پس از آن به‌خصوص در صدساله بعد از انقلاب مشروطه در باب چرایی عقب‌ماندگی و چگونگی توسعه‌نیافتگی پرسش‌های بسیاری به شکل‌های مختلف و از رویکردهای متفاوت مطرح شده و گاه پاسخ‌هایی ناهمگون نیز، از نظریه جامعه کم‌آب و پراکنده و امتناع اندیشه گرفته تا نظریه استبداد شرقی و استعمار کشورهای صنعتی، یافته است. متأسفانه آنچه تاکنون به عنوان اقتصاد بومی شده در ایران به مسأله توسعه‌نیافتگی

پرداخته، نسخه‌ای بسیار فلسفی، کلی‌گویانه، روایی و با توصیف کیفی از دانش عمومی توسعه و نه لزوماً اقتصاد توسعه است که کمترین شباهتی به ادبیات جدید این حوزه در دهه‌های اخیر بر مبنای نظریه‌های خرد، که قسمتی از آن نیز در این کتاب منعکس شده است، ندارد. پاک کردن تصویر نامرتبیتی که نه تنها در مورد اقتصاد توسعه که به‌طور کلی در مورد علم اقتصاد در ایران شکل گرفته تا سال‌ها نفس نسل جدید اقتصادخوانده‌ها را خواهد گرفت. در کشوری که هنوز بسیاری از سیاست‌سازان و برنامه‌ریزان اقتصادی آن، دل‌باخته الگوهای نهادگرایی در بدترین شکل فهم‌ناشده آن و نظریه‌های مارکسیسم در عقب‌مانده‌ترین قرائت‌های آن هستند و پایه‌ای‌ترین اصول علم اقتصاد محل تردیدهای فیلسوف‌مابانه‌اند، تلاش برای بهبود وضعیت جامعه، جدالی نابرابر در دو سطح است: دفاع از ابتدایی‌ترین اصول عقلانیت اقتصادی و تلاش برای بهره‌گیری از اندیشه‌ها، تجربیات و روش‌های مدرن اقتصاد برای سیاست‌گذاری در اقتصاد بیماری که بیش از همیشه به هوای تازه نیاز دارد.

تاکنون عموماً رویه بر این برد که تنها انسان‌شناسان به قبایل و مناطق دورافتاده آفریقا می‌رفتند و با مردم محلی دم‌خور بودند، در حالی که اقتصاددانان روی صندلی‌های راحتی خود می‌نشستند و نظریات بنیادین طراحی می‌کردند. بنرچی و دوفلو اما به منظور فهم بهتر طبیعت فقر، به جای بحث‌های انتزاعی بی‌پایان، شیوه انسان‌شناسانه را برگزیدند، دست‌ها و لباس‌ها را حاکمی کردند، پا به میدان گذاشتند، به گوشه‌کنار روستاها و زاغه‌نشین‌های دورافتاده سرزدند، به خانه‌های فقرا رفتند و با آنها در مورد زندگی و دلایل و انگیزه‌های تصمیم‌هایشان صحبت کردند. آنها با به چالش کشیدن دانش‌های دریافت‌شده بر پایه استدلال‌های فرضی<sup>۱</sup> و به جای انتظار کشیدن برای آماده شدن و رسیدن داده‌ها، خود با طراحی آزمون‌هایی در میدان، داده‌های خرد را جمع کردند و به این ترتیب زمینه‌های تازه‌ای را برای همکاری‌های میان رشته‌ای با سایر حوزه‌های علوم اجتماعی به خصوص روان‌شناسی و انسان‌شناسی به وجود آوردند.

نسل جدید پژوهشگران اقتصاد در ایران باید به دنبال این باشند که چطور

می‌توان برای بررسی دقیق دلایل توسعه‌نیافتگی کشور، به جای بازتکرار مدل‌ها و الگوهای مرسوم، فرضیه‌های تازه‌ای را آزمود، نظریه‌های جدیدی ایجاد کرد و بر ادبیات جهانی توسعه افزود. این اتفاق در پژوهش‌هایی در کشورهای با اقتصادهای مشابه ما مانند اندونزی افتاده است و در ایران نیز دور از دسترس به نظر نمی‌رسد؛ کشوری که به قدری پیچیدگی‌های نهادی و ساختاری جالب دارد و پر از مسائل کارنشده و دست‌نخورده است که بررسی آنها می‌تواند بینش‌های تازه‌ای را در شناخت رفتار افراد و کارآمدی سیاست‌ها در کشورهای در حال توسعه ایجاد کند.

در ایران نیز می‌توان به‌جای متوقف شدن روی موضوعات دست‌مالی شده مانند سرمایه اجتماعی و حتی به‌جای موضوعاتی کلی مانند یافتن خط فقر و شاخص‌های آن یا برآورد میزان و اندازه‌گیری شدت فقر در ایران، با رویکرد کاربردی این کتاب به مسائل ایران نگاه کرد، به متن جامعه در مناطق دورافتاده رفت و با کشاورزان و مددجویان زیر پوشش کمیته امداد یا بهزیستی نشست، از زندگی و مسائل کسب‌وکارهای کوچک‌شان جويا شد؛ موضوعات ناب را شناسایی و داده‌های مهم خرد آن را گردآوری کرد و به این ترتیب با داده‌های دست اول به نوشتن مقالات جدید و قابل ارائه در سطح جهانی دست زد. این بهترین شیوه‌ای است که می‌توان علم اقتصاد از غرب آمده را برای کشوری بومی کرد که ادعا می‌شود شرایط حاکم بر آن چنان متفاوت از کشورهای توسعه یافته است که مدل‌ها و الگوهای آنان به کار اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی اقتصادی آن می‌آید.

\*\*\*

مخاطبین این کتاب نه تنها دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های اقتصاد توسعه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بلکه همچنین همه افرادی هستند که دغدغه بهبود وضع اجتماعی فقرا را دارند و از کمبودها و قابلیت‌های محقق‌نشده آنان رنج می‌برند. کسانی که تنها به نیت خوب در انجام عمل خیرخواهانه بسنده نمی‌کنند و تأثیرگذاری و معناداری کوشش‌شان در بهبود زندگی دیگران برای آنها مهم است. این کتاب که تا اندازه‌ای با سال‌ها تدریس در ام.‌آی.‌تی و سایر دانشگاه‌ها رشد کرد، در بهار ۲۰۱۱ برای تدریس در دو درس چالش‌هایی برای فقر

جهانی،<sup>۱</sup> درسی مقدماتی برای دانشجویانی بدون پیش‌زمینه‌ای در اقتصاد و درس بنیادهای سیاست‌های توسعه<sup>۲</sup> برای دانشجویان پیشرفته کارشناسی و کارشناسی ارشد در ام.آی.تی ارائه شده است. اسلایدها، تکالیف درسی و فایل‌های تصویری این دروس در تارنمای کتاب<sup>۳</sup> قرار دارد که می‌توان به‌عنوان مواد تکمیلی مطالب کتاب از آنها استفاده کرد. این کتاب را همچنین می‌توان برای تدریس رویکردهای جدید در اقتصاد توسعه در ایران نیز مورد استفاده قرار داد، با این امید که بتواند دریچه‌های تازه‌ای برای نگاه به مسائل توسعه در ایران مانند نابرابری، توزیع درآمد و سیاست‌های حمایتی برای دهک‌های پایین درآمدی بگشاید. مطالب یکی از دوره‌های درسی مرتبط با مطالب این کتاب برای دوره کارشناسی با عنوان «استفاده از علوم تجربی در آزمون: زمینه‌های تجارب اقتصادی» در تارنمای پروژه مشترک دوره‌های آزاد رایان‌ای دانشگاه شهید بهشتی و ام.آی.تی<sup>۴</sup> قرار دارد که می‌تواند یاریگر تدریس این کتاب به‌عنوان یک متن درسی دانشگاهی باشد.

مترجمان به جد بسیار کوشش کرده‌اند تا ضمن وفاداری به متن اصلی، متنی پیراسته و روان را به خوانندگان فارسی‌زبان ارائه کنند و به این منظور، گاه حتی به‌طوری وسواس‌گونه، متن برگردانده‌شده بارها و بارها بازخوانی و ویرایش شده است. با این وجود مسئولیت تمامی ایرادها و کاستی‌های احتمالی با مترجمان است و باعث خرسندی خواهد بود که خوانندگان دقیق و نکته‌سنج، آنها را به مترجمان یادآوری کنند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرند. به‌منظور اطمینان از درک درست مفاهیم و اصطلاحات ترجمه‌شده، گاه معادل فارسی مناسبی نیز نداشته‌اند، معادل انگلیسی برخی واژه‌ها و اصطلاحات به‌صورت پانویس در هر صفحه آمده است.

لازم به توجه است که عنوان اصلی کتاب،<sup>۵</sup> «اقتصاد فقیر»، این‌همه ضمنی دارد. از سویی، شاید به کنایه، به ضعف رشته اقتصاد در تمامی دهه‌های گذشته در برخوردی کارا با مسأله توسعه‌نیافتگی به‌طور کلی و فقر به‌طور ویژه اشاره دارد و از سوی دیگر از رویکردی تازه در این حوزه سخن می‌گوید که بر مبنای زیر‌عنوان

1- Challenges for World Poverty 2- Foundations of Development Policies  
3- <http://www.pooreconomics.com/>  
4- <http://mit-ocw.sbu.ac.ir/Default.aspx?tabid=4090> 5- Poor Economics

آن<sup>۱</sup> به یک بازاندیشی بنیادین در مورد فهم اقتصاد فقرا و ماهیت پدیده فقر منجر می‌شود. در ترجمه این کتاب کوشیده‌ایم، تا جایی که به انتقال مفهوم ضربه نزنند، از واژه‌های کاملاً فارسی استفاده شود. در ادبیات اقتصاد معمولاً معادل «تجربی» برای Empirical استفاده شده است بنابراین برای جلوگیری از تداخل معانی، واژه «آزمون» را برای Experiment برگزیدیم. به این ترتیب Field Experiment به «آزمون میدانی»، Lab Experiment یا Laboratory Experiment به «آزمون آزمایشگاهی»، Randomized Controlled Trial به «سنجش کترلی تصادفی شده» و سرانجام Experimental Economics به «اقتصاد آزمونی» برگردانده می‌شوند. همچنین در این کتاب برای گروهی که متغیر مورد نظر در آن تغییر داده می‌شود، Treatment Group، «گروه آزمایش» و برای گروه دیگر، Control Group، «گروه شاهد» را پیشنهاد کرده‌ایم تمام توضیحات فارسی در پانویس هر صفحه نیز از آن مترجمان است.

در پایان وظیفه خود می‌دانیم از خانم منصوره و ائق برای همکاری اولیه در ترجمه سه فصل کتاب تشکر کنیم. آقای رضا امیرزاده ویراستاری کتاب را برعهده داشت و بر روانی و خوانایی متن افزود. دوستان خوبمان آزاده عطاری، شیوا تقوی، حمیدرضا تبرائی، علی سرزعی، محمدرضا فرهادی‌پور و علی مزیکی نکاتی ارزشمند را در باب این مقدمه یادآوری کردند که از آنان بسیار سپاس گزاریم. آقایان احمد میدری و مسعود زارع با خواندن فصلی از نسخه اولیه ترجمه کتاب، نظرات مفیدی ارائه دادند که در نسخه پایانی در نظر گرفته شد. در پایان لازم می‌دانیم از همکاری و صبوری مدیر محترم انتشارات دبای اقتصاد، آقای محمود صدری، تشکر ویژه نماییم.

جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی

مشهد، خرداد ۱۳۹۲

## پیش‌گفتار نویسنندگان

هنگامی که استر شش ساله بود، در کتابی مصور درباره مادر ترزا<sup>۱</sup> خواند شهر کلکته چنان پرآزحام بود که در آن هر نفر تنها کمتر از یک متر مربع جا برای زندگی داشت. او تصویری از شهری به شکل یک صفحه گسترده شطرنج در ذهن داشت که یک متر در یک متر بر روی زمین خط‌کشی شده بود. در هر خانه شطرنج یک مهره سرباز انسانی در حالت ایستاده با فشار درون صفحه شطرنج جا داده شده بود. استر حیران بود که برای حل این مشکل چه کاری می‌تواند انجام دهد.

وقتی استر سرانجام از کلکته لندن کرد بیست و چهار ساله و دانشجوی دکتری در ام‌آی‌تی بود. در حالی که او از داخل تاکسی در مسیرش به مرکز شهر به بیرون نگاه می‌کرد، احساس ناامیدی مبهمی کرد؛ به هر جا، درخت‌ها، علف‌زارها، پیاده‌روهای خالی که می‌نگریست فضای خالی وجود داشت. کجا بودند آن همه بدبختی که در کتاب مصور به آن روشنی نشان داده شده بود؟ آن همه آدم کجا رفته بودند؟

آبهیجیت در شش سالگی می‌دانست فقرا کجا زندگی می‌کنند. آنها در خانه‌های سست‌بنیاد در پشت خانه‌اش در کلکته زندگی می‌کردند. به نظر می‌رسید بچه‌های آنها همیشه وقت زیادی برای بازی کردن داشتند و می‌توانستند در هر ورزشی او را شکست دهند. وقتی او به پشت خانه می‌رفت تا با آنها تیل بازی کند، تیل‌ها همیشه سرانجام از جیب شلوارک‌های مندرس آنها سردر می‌آورد. او به آنها حسادت می‌کرد.

این اشتیاق در فروکاستن فقرا به مجموعه‌ای از کلیشه‌ها از زمانی که فقر وجود داشته همراه ما بوده است. فقرا در نظریه‌های اجتماعی، به همان اندازه

ادبیات، یکی پس از دیگری با توصیفاتمانند تبیل یا متهور، شریف یا دست‌کج، رنجیده‌خاطر یا مطیع، درمانده یا خودکفا ظاهر می‌شوند. شگفت‌آور نیست مواضع سیاست‌گذاری که به این دیدگاه‌ها از فقرا مرتبط است نیز معمولاً با فرمول‌های ساده نشان داده شده است: «بازارهای آزاد برای فقرا»، «حقوق بشر را مهم دانستن»، «ابتدا درگیری‌ها را حل کردن»، «به فقیرترین‌ها بیشتر پول دادن»، «کمک خارجی، توسعه را از بین می‌برد» و مثل آن. تمامی این ایده‌ها دارای عناصری مهم از حقیقت هستند. اما آنها به ندرت مردان یا زنان فقیر معمولی را، با امیدها و تردیدها، محدودیت‌ها و آرزوها، باورها و سردرگمی‌های‌شان در نظر می‌گیرند. اگر فقرا در جایی نیز نمایان می‌شوند، معمولاً به‌عنوان شخصیت مهیج برخی حکایت‌های الهام‌بخش یا داستان‌های غمناک است تا مورد تحسین یا ترحم قرار گیرند اما نه به‌عنوان یک منبع کسب‌دانش و نه به‌عنوان انسان‌های طرف‌مشورت درباره آنچه آنها فکر می‌کنند یا می‌خواهند یا انجام می‌دهند.

در بیشتر اوقات، اقتصاد فقرا<sup>۱</sup> با اقتصاد فقیر<sup>۲</sup> اشتباه گرفته می‌شود: چون فقرا دارایی بسیار اندکی دارند، فرصتی می‌شود هیچ نکته جالبی درباره موجودیت اقتصادی<sup>۳</sup> آنها وجود ندارد. این برداشت نادرست، بدبختانه مبارزه با فقر جهانی را نیز به شدت تضعیف می‌کند. مسائل ساده راه‌کارهای ساده پدید می‌آورد. حوزه سیاست مبارزه با فقر پر از خرده معجزات آنی است که نشان داده شده چندان هم شگفت‌انگیز نیستند. برای پیشرفت در این زمینه، ما باید از عادت فروکاستن فقرا به شخصیت‌های کارتنی دست بکشیم و وقت بگذاریم تا زندگی فقرا را با همه پیچیدگی و غنای آن واقعاً درک کنیم. در پانزده سال گذشته، ما سعی کرده‌ایم دقیقاً همین کار را بکنیم.

ما دانشگاهی هستیم و شبیه بیشتر همکاران خود نظریه می‌پرورانیم و به داده‌ها خیره می‌شویم. اما طبیعت کاری که انجام می‌دهیم این‌گونه است که ماه‌ها صرف کار میدانی با فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد، دیوان‌سالاران دولتی، کارکنان بهداشتی و وام‌دهندگان خرد کرده‌ایم که به سال‌های زیادی نیز افزایش یافته است. این کار ما را به کوچه‌پس‌کوچه‌ها و روستاهایی کشانده است که فقرا زندگی می‌کنند تا

برای گردآوری داده از آنها پرس و جو کنیم. این کتاب بدون مهربانی افرادی که در آنجا ملاقات کردیم، نوشته نمی‌شد. هر چند بیشتر اوقات سرزده به خانه‌های آنها رفته بودیم، با ما همیشه مانند میهمان رفتار می‌شد. حتی زمانی که پرسش‌های ما معنای زیادی نداشت، آنها به این پرسش‌ها با بردباری پاسخ می‌دادند و در این پاسخ‌ها ماجراهای زیادی را با ما به اشتراک گذاشتند. [۱] در بازگشت به اتاق کارمان وقتی این ماجراها را به یاد می‌آوردیم و داده‌ها را تحلیل می‌کردیم، شیفته و سردرگم می‌شدیم. کوشش می‌کردیم تا آنچه را شنیده و دیده بودیم با مدل‌های ساده‌ای همساز کنیم که اقتصاددانان حرفه‌ای توسعه (اغلب غربی یا آموزش‌دیده در غرب) و سیاست‌گذاران به شکل سستی برای اندیشیدن درباره زندگی فقرا به کار می‌بردند. معمولاً اهمیت شواهد مجبورمان می‌کرد نظریه‌های خود را دوباره بررسی کرده یا حتی دوباره بنویسیم. اما کوشش کردیم پیش از درک دقیق دلیل شکست نظریه‌ها و چگونگی جرح و تعدیل آنها برای توصیف بهتر جهان، چنین نکنیم. این کتاب از درون این داد و گرفت بیرون آمد؛ کتاب بیانگر کوشش ما برای پیوند زدن گزارشی منسجم از چگونگی گذران زندگی فقرا است.

تمرکز ما بر فقیرترین‌های جهان است. در پنجاه کشور که بیشتر فقرا در آنجا زندگی می‌کنند، میانگین سرانه خط فقر ۱۶ روپیه هند در روز است. [۲] دولت این کشورها، افرادی را که با کمتر از این مبلغ زندگی می‌کنند فقیر در نظر می‌گیرد. با نرخ ارز جاری، ۱۶ روپیه برابر ۳۶ سنت آمریکا است. اما چون قیمت‌ها در بیشتر کشورهای درحال توسعه، پایین‌تر است، اگر فقرا واقعاً کالاهایی با قیمت‌های ایالات متحده خریداری می‌کردند، باید پولی بیشتر، ۹۹ سنت، خرج می‌کردند پس برای اینکه زندگی فقرا را تصور کنید، باید اجبار به زندگی را در میامی فلوریدا یا مونتسول در کالیفرنیا با درآمد ۹۹ سنت در روز برای تهیه تقریباً همه نیازهای روزمره خود (نه حتی مسکن) تصور کنید. این کار آسانی نیست؛ برای مثال در هند، با مبلغ معادل می‌توان پانزده موز کوچک یا حدود یک و نیم کیلو برنج بی کیفیت خرید. آیا با این پول می‌توان زندگی کرد؟ با این حال در سراسر جهان، در سال ۲۰۰۵، ۸۶۵ میلیون نفر (۱۳ درصد جمعیت جهان) با چنین مبلغی زندگی می‌کردند.

شگفت‌آور اینکه حتی مردمی تا این اندازه فقیر، تقریباً از هر نظر درست مانند سایر مردم هستند. همه ما خواسته‌ها و کاستی‌های یکسانی داریم؛ فقرا کمتر از سایرین عقلانی رفتار نمی‌کنند. اغلب متوجه می‌شویم که کاملاً برعکس، دقیقاً چون آنها درآمد خیلی کمی دارند، با دقتی بیشتر به انتخاب‌های خود فکر می‌کنند: آنها تنها برای اینکه زنده بمانند باید اقتصاددانان کارآموده‌ای باشند. با این حال تفاوت زندگی ما از زمین تا آسمان است. این تفاوت با جنبه‌هایی از زندگی ما بسیار سروکار پیدا می‌کند که بدیهی در نظر می‌گیریم و به ندرت به آنها می‌اندیشیم.

گذران زندگی با ۹۹ سنت در یک روز به این معنا است که فرد دسترسی محدودی به اطلاعات دارد - استفاده از روزنامه، تلویزیون و کتاب همگی پول می‌خواهد - و بنابراین چنین فردی اغلب به‌راستی واقعیت‌های معینی را که برای سایر مردم بدیهی است، نمی‌داند، برای مثال این که واکنش‌ها می‌توانند از ابتلای کودک به سرخک جلوگیری کنند. این یعنی زندگی در جهانی که نهادهای آن برای کسی مثل این فرد فقیر ساخته نشده است. بیشتر فقرا درآمدی ندارند، چه رسد به برنامه‌بازنشستگی که به‌صورت خودکار حق بیمه را از درآمد فرد کسر می‌کند. این مانند تصمیم گرفتن درباره مطالبی است که با حروف بسیار ریز نوشته شده است در حالی که فرد حتی حروف درشت را نیز به‌درستی نمی‌تواند بخواند. کسی که سواد خواندن ندارد برای فهمیدن انواع خدمات بیمه سلامت که بسیاری از بیماری‌های درمان‌پذیر را پوشش نمی‌دهد، چه می‌کند؟ این موضوع همانند رأی دادن نیز است وقتی تمام تجربه فدرال نظام سیاسی، وعده‌های بسیار زیادی است که به آنها عمل نشده است؛ و مانند این است که جایی مطمئن برای نگه‌داشتن پول خود ندارید، چون آنچه از پس‌انداز ناچیز شما عاید مدیر بانک می‌شود، هزینه رسیدگی به حساب بانکی را پوشش نمی‌دهد. همین‌طور مانند بسیاری موارد دیگر.

این‌ها همه دلالت دارند که بیشترین استفاده از استعداد خود و تضمین آینده خانواده خویش، نیازمند مهارت، قدرت اراده و تعهدی بسیار بیشتر برای فقرا است. و برعکس، هزینه‌های اندک، موانع کوچک و اشتباهاتی ناچیز که بی‌تردید

ما درباره آنها تأمل نمی‌کنیم در زندگی آنها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. گریختن از فقر آسان نیست، اما یک حس امکان‌پذیری و کمی کمک کاملاً هدفمند (قدری اطلاعات، کمی سقلمه‌زدن) گاهی می‌تواند اثرات شگفت‌آور زیادی داشته باشد. از طرف دیگر، انتظارات اشتباه، نبود ایمان در جایی که به آن نیاز است و موانع ظاهراً کوچک می‌تواند ویران‌گر باشد. فشار دادن اهرم درست تفاوتی زیاد ایجاد می‌کند، اما اغلب مشکل، دانستن جای آن اهرم است. از همه مهم‌تر اینکه روشن است اهرمی واحد هر مشکلی را حل نخواهد کرد.

کتاب اقتصاد فقیر کتابی درباره علم اقتصاد بسیار غنی است که از درک زندگی اقتصادی فقرا حاصل شده است. این کتاب، درباره انواع نظریه‌هایی است که به ما کمک می‌کند آنچه را فقرا می‌توانند به دست آورند و اینکه کجا و به چه دلیلی نیاز به فشاری انگیزشی دارند. معنادار سازیم. هر فصل این کتاب جست‌وجویی برای کشف چیرستی این مسائل اصلی بحث و چگونگی غلبه بر آنها است. فصل‌های کتاب را با جنبه‌های اساسی از زندگی خانوادگی مردم شروع می‌کنیم؛ اینکه چه چیزی می‌خرند؛ درباره مدرسه رفتن فرزندان‌شان، سلامت خود، بچه‌ها یا پدر و مادرشان چه می‌کنند؛ تصمیم می‌گیرند چه تعداد بچه داشته باشند و مانند آن. سپس با توضیح این نکته ادامه می‌دهیم که بازارها و نهادها چگونه برای فقرا کار می‌کنند: آیا آنها می‌توانند وام بگیرند، پس‌انداز کنند یا خود را در برابر ریسک‌ها بیمه کنند؟ دولت‌ها برای فقرا چه کاری می‌کند و چه وقت آنها را ناکام می‌گذارند؟ در سرتاسر کتاب، به همان پرسش‌های اساسی باز می‌گردیم. مثل اینکه آیا فقرا راه‌هایی برای بهبود زندگی خود دارند و چه چیز آنها را از داشتن توان انجام این کارها باز می‌دارد؟ آیا بازداری، بیشتر به دلیل هزینه بالای شروع به بهبود است یا شروع کردن آسان اما تداوم آن دشوارتر است؟ چه چیزی آن را پرهزینه می‌سازد؟ آیا مردم ماهیت منافع زندگی بهتر را درک می‌کنند؟ اگر نه، چه چیزی باعث می‌شود تا پی‌بردن به این منافع برای آنها سخت باشد؟

اقتصاد فقیر در نهایت درباره این است که زندگی و انتخاب‌های فقرا چه چیزی می‌تواند درباره چگونگی مبارزه با فقر جهانی به ما بگوید. برای مثال این کتاب به

ما کمک می‌کند درک کنیم چرا تأمین مالی خرد مفید است بدون اینکه معجزه‌ای باشد که برخی به آن امید داشتند؛ چرا مردم فقیر اغلب در نهایت سراغ آن نوع مراقبت درمانی می‌روند که بیش از خوب کردن به آنها آسیب می‌رساند؛ چرا فرزندان فقرا می‌توانند هر ساله به مدرسه بروند و چیزی یاد نگیرند؛ چرا فقرا بیمه درمان نمی‌خواهند. این کتاب آشکار می‌سازد چرا راه‌حل‌های جادویی بسیار زیاد دیروز سرانجام به ایده‌های شکست‌خورده امروزی ختم شده است. کتاب همچنین مطالب زیادی در این باره که به کجا می‌توان امید داشت، می‌گوید؛ چرا یارانه‌های جزئی ممکن است اثراتی بیشتر از جزئی داشته باشد؛ چگونه بیمه را بهتر بازاریابی کنیم؛ چرا در تحصیلات امکان دارد کمتر به معنای بیشتر باشد؛ چرا مشاغل خوب برای رشد اقتصادی اهمیت دارد. مهم‌تر از همه، روشن می‌کند که چرا امید حیاتی و دانش سرنوشت‌ساز است، چرا حتی وقتی چالش‌ها به نظر نفس‌گیر می‌آیند، باید به تلاش ادامه دهیم. موفقیت همیشه به آن دوری نیست که به نظر می‌آید.